

خرده مهربانی‌های حال خوب کن

یک پرونده تصویری از خرده‌مهربانی‌هایی که این روزها در گوشه و کنار کشور مان می‌بینیم و می‌توانند از یک روز بد یک روز خوب بسازند

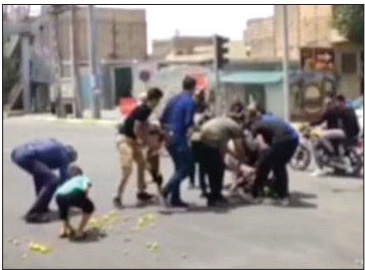
اگر می | روزنامه نگار

پرونده

قصه مهربانی‌های کوچولو شاید بی‌ربط به «اثر پروانه‌ای» نباشد. این نظریه می‌گوید کار کوچکی مانند بال‌زدن یک پروانه می‌تواند در نقطه‌ای دیگر از دنیا یک توفان به وجود بیاورد. اثر مهربانی حتی اگر کوچک باشد هم همین‌طور است. دیدید بعضی کارها و رفتارها در عین سادگی می‌توانند روز آدم‌ها را عوض کنند و به اصطلاح «حال خوب کن» هستند؟ بی‌راه نیست که شاعر می‌گوید: «از محبت خارها گل می‌شود/ از محبت سرکه‌ها مل می‌شود». اصلاً همین خرده مهربانی‌هاست که می‌تواند جهان تلخ و خسته اطرافمان را قابل تحمل و حتی شیرین کند و انرژی را برای ادامه مسیر زندگی به هر کدام از ما برگرداند. شاید این مهربانی‌ها وقت و سرمایه زیادی از ما نگیرد اما همین که می‌توانیم با آن حس همدلی و نوع دوستی را در یکدیگر بیدار نگاه داریم یعنی هنوز زنده ایم و انسانیت در جریان است. ما بخشی از این خرده‌مهربانی‌ها را که در گوشه و کنار کشور اتفاق افتاده است، به همراه توضیح آن‌ها در این پرونده جمع‌آوری کردیم به امید آن‌که باز هم به قول شاعر: «تویکی نه‌ای هزاری / تو چراغ خود برافروز»

همه برای یکی، یکی برای همه

پیرمرد، یک سبد لیمو به پشت موتورش بسته و در چهارراه در حال حرکت بود. سبد ناخواسته وسط چهارراه رها و همه لیموها در خیابان پخش و پلا شد. پیرمرد نمی‌توانست یک نفره همه لیموها را جمع کند و چراغ راهنمایی هم تغییر رنگ می‌داد. مردم بیکار نماندند و دسته‌جمعی به کمک او رفتند تا زودتر لیموهايش را جمع کند و دوباره در جعبه بچینند. اصلاً از قدیم گفته‌اند یک دست، صدا ندارد.



پارک‌کن‌ولی با شماره!

پارک کردن در بعضی خیابان‌های شلوغ شهر همیشه معضل است، به طوری که تنها جای پارک ممکن، جلوی در خانه و پارکینگ ساکنان آن محله است. در جایی که خیلی‌ها پشت در خانه‌شان می‌نویسند «پارک مساوی با پنچری»، «پارک نکن» و... فردی کنار علامت پارک ممنوع جمله متفاوتی نوشته است. او از بقیه خواسته که اگر مجبور به پارک خودرو جلوی در خانه آن‌ها هستند، پارک کنند و شماره تماس خود را هم بگذارند.



مالک محترم! مدارا کن!

«مالک محترم، حق باشماست اما با مستاجرت مدارا کن. خداوند جبار است و حتما جبران می‌کند». این متن را روی یک کاغذ A4 پرینت کرده و چسبانده است پشت شیشه دفتر املاک. شاید بگوئید این فقط یک توصیه است اما کسی چه می‌داند با همین توصیه دل چند صاحبخانه نرم شده است؟ زیرش هم نوشته: «در این املاک تمدید قرارداد، به صورت رایگان انجام می‌شود».



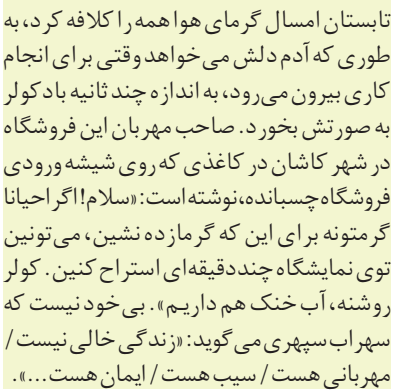
قوری جهیزیه برای نان!

«می‌شه به جای پول، این قوری (جهیزیه) رو برداری و بهم نون بدی؟» پیرزن این جمله را آرام، طوری که هیچ‌کس نشنود می‌گوید. شاطر هم مرام می‌گذارد، به او چند قرص نان می‌دهد و می‌گوید: «اینو هم (قوری) ببر. بازم (نون) می‌خوای بهت بدم. چیزی می‌خوای بخری پول بهت بدم». لیخندی روی لب پیرزن می‌نشیند و می‌گوید: «نه... نه... خیر از جوونیت ببینی».



بفرمایید زیرکولر به همراه آب خنک

تابستان امسال گرمای هوا همه را کلافه کرد، به طوری که آدم دلش می‌خواهد وقتی برای انجام کاری بیرون می‌رود، به اندازه چند ثانیه بادکولر به صورتش بخورد. صاحب‌مهربان این فروشگاه در شهر کاشان در کاغذی که روی شیشه ورودی فروشگاه چسبانده، نوشته است: «سلام! اگر احيانا گرمونه برای این که گرم‌زده نشین، می‌تونین توی نمایشگاه چند دقیقه‌ای استراحت کنین. کولر روشن، آب خنک هم داریم». بی‌خود نیست که سهراب سپهری می‌گوید: «زندگی خالی نیست / مهربانی هست / سیب هست / ایمان هست...».



سایه‌بانت هم می‌شوم!

عابر داشت می‌گذشت که پیرمرد را دید. اول پلاستیک را از دست پیرمرد گرفت. بعد هم با یک تکه اکاستیو که در دستش بود برایش سایه‌بان کوچکی درست کرد. قدم‌هایش را با پیرمرد تنظیم کرد و این‌جور شد که برای چند دقیقه آرام‌آرام با هم راه رفتند و حرف زدند. یک اتفاق حسایی و مهربانانه در خیابان ارشاد مشهد.



خیس نشی پیشی کوچولو

کودکی چترش را در هوای بارانی از خودش دریغ می‌کند و چند دقیقه آن را روی سر موجود کوچکی می‌گیرد که او را بی‌پناه می‌بیند. واقعا اگر مهربانی عکس بود شاید چیزی شبیه همین می‌شد. شاید وقتی چتر را روی گربه گرفته در دلش می‌گوید: «بباز چتر! خیس نشی پیشی کوچولو». این نشان می‌دهد کودکان مهربانی را می‌بینند و یاد می‌گیرند. اصلاً جهان به اعتبار مهربانی همین فسقلی‌هازیاست.



پنچرگیری با من

شاید شما هم تجربه‌ی خرابی خودرو یا پنچری لاستیک وسط خیابان را داشته باشید. در این‌طور مواقع یا تعمیر و پنچرگیری را بلدید یا نه. اگر جزو دوسته دوم باشید، کار خیلی سخت می‌شود. کاربری که این عکس را منتشر کرده است در توضیح ماجرا نوشته: «وسط بزگراه لاستیکم ترکید و دقیقاً همون لحظه به یک موتور ایستادو گفت، خواهم کارتونیس‌ترو کنار. زیر آفتاب توی گرمای شدید پنچری رو گرفت. بهش گفتم، آقا لطفاً شماره کارت رو بده من به مبلغی رو واستون بزنم به عنوان تشکر. شما توی این گرمای خیلی زحمت کشیدی. گفت، خانم! انگار برای خواهر خودم این کارو کردم. الانم سوار شو جلوی من برو ببینم مشکلی پیش نیادوست».



ونک- پاسداران

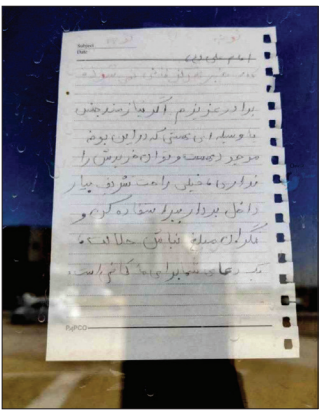
به صرف شربت آب‌لیمو

راننده‌ای است که سال‌ها مسیر خط پاسداران-ونک در تهران را می‌رود و برمی‌گردد. هوا خیلی گرم است و هر مسافری که سوار می‌شود یک کلمن شربت آب‌لیمو را روی صندلی عقب می‌بیند تا مسافر خسته و تشنه، دهانش را با آن تر کند. وقتی می‌پرسید چرا؟ می‌گوید: «یک نفر کمتر سوار می‌کنم و به جاش عقب کلمن شربت ویخ گذاشتم، هر قدر می‌خواین، میل کنین».



پول نداشتی، بردار! حالات

در بیمارستان یکی دستش تنگ است، یکی منتظر بهبود بیمارش است و دیگری شاید پر از اضطراب. در چنین موقعیت‌هایی، مهربانی دیدن، سختی‌ها را قابل تحمل می‌کند. بوفه بیمارستان و لیعصر بهیمن در متنی که روی شیشه چسبانده، نوشته: «اگر نیازمند جنس یا وسیله‌ای هستی که در این بوفه موجود هست و توان خریدش را نداری، خیلی راحت تشریف بیار داخل، بردار و استفاده کن. نگران مبلغ نباش. حالات، یک دعای شما برای من کافی است».



وقتی نداری ولی بازم مهربونی

«این مرد رو امروز تویکی از خیابون‌های کرمانشاه دیدم. مشخص بود که خودش نیازمنده اما باین حال رفته بود برای بچه‌گره‌بیدن مادر به بطری شیر خریده بود. امروز مطمئن شدم که شرافت و انسانیت به دل نه به پول». بله، مهربانی کردن همه جورش قشنگ است حتی اگر به طبیعت و حیوانات باشد.



یک گپ کوتاه و مردانه

سربازها روزهای زیادی را با دل‌تنگی برای خانواده می‌گذرانند. این تصویر هم در نوع خودش مهربانانه است. در توضیح این عکس نوشته شده است: «سر صبحی دوتا سرباز با معرفت نشستند و یه دلدل‌های یه کودک کار! چقدر حال آدم خوب می‌شد با دیدنشون. ما به هم ربط داریم رفقا...». شاید یک گپ و گفت کوتاه گرمی از کودک کار باز نکند اما حتماً و آرام کرده است.



ZENDEGI-SALAM

ضمیمه روزنامه خراسان

شنبه ۲۸ مرداد ۱۴۰۲
۲ صفر ۱۴۴۵ • ۱۹ آگوست ۲۰۲۲
شماره ۲۱۲۸۷

۲۵۰۷



یک مهمانی

کوچولو با پاکبان

مرداد ۱۴۰۱ است. یک شب تابستانی دو خانواده ۲ نفره دور هم جمع شده‌اند تا شام‌شان را در فضای باز یک رستوران بخورند. نفر پنجم که دارد در کنار آن‌ها غذا می‌خورد یک پاکبان با یونیفرم سبز فسفری است که به دعوت آن‌ها مهمان میزشان شده است. به همین دلنشینی و زیبایی!

شکلات، مال بچه‌هاست

خیلی از بچه‌ها وقتی با مادرشان وارد مغازه می‌شوند، دوست دارند یک شکلات هم بگردانند توی دهان‌شان. بقالی‌محله‌ای در تهران برای این‌که خیال پدر و مادرها را راحت کند، «مانع دست‌زدن و برداشتن بچه‌ها نشود» را به قفسه شکلات‌ها چسبانده است و این‌طوری کوچولوهای محله را به یک شکلات مهمان می‌کند.



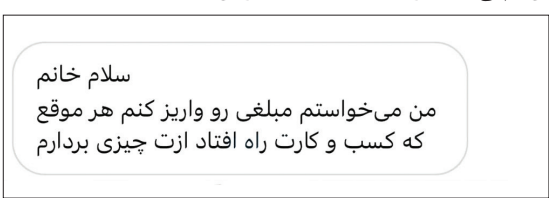
استراحت زیر سایه مهربونی!

مرام و معرفت راننده خودروهای سنگین همیشه مثال‌زدنی است. این تصویر مربوط به ویدئویی است که نشان می‌دهد راننده خودروی سنگین، شب برای استراحت کنار جاده می‌ایستد تا صبح دوباره به حرکتش ادامه دهد. وقتی صبح بیدار می‌شود و می‌بیند خانواده‌ای در سایه خودرویش خوابیده‌اند، دوساعت دیگر صبر می‌کند تا خوب استراحت کنند و آفتاب آذیت‌شان نکند.



کسب و کارت رو شروع کن

مهربانی به صحنه‌هایی که هر روز در شهر اتفاق می‌افتد، محدود نمی‌شود. «سلام خانم، من می‌خوام مبلغی رو واریز کنم هر موقع کسب و کارت راه افتاد ازت چیزی بردارم». این پیام یک فرد به صاحب یک آنلاین‌شاپ است که هنوز کارش را شروع نکرده است. ترکیب اعتماد و مهربانی به هم نوع آن خود در فضای مجازی که هیچ شناختی از فروشنده و نوع بر خورد او ندارید، آن‌هم بی‌قید و شرط، نشانه یک قلب مهربان است.



کرایه نداری، برو حالات

هر چند وقت یک بار جمله‌هایی شبیه «کرایه برای افراد نیازمند رایگان می‌باشد» را در تصویرهایی از تاکسی‌ها می‌بینیم که در فضای مجازی دست به دست می‌شود. این تاکسی هم با حرکتی شبیه این، کاغذی را جلوی خودرویش گذاشته و نوشته است: «کرایه نداری برو، حالات، تو ندارم». ما هم از همین جابه‌این آقای راننده می‌گوییم: «دمت گرم! مشت‌هستی».

